

چهارشنبه سوری

بقلم آقای سید نفیسی

چون عادات و رسوم نژاد ایرانی که از زمانهای سیار قدیم مانده است درین روزگار هر روز بیش از پیش دستخوش فراموشی است یکی از بهترین یادگارهایی که در این زمان میتوان برای تاریخ ایران گذاشت ضربه و تدوین همین آداب و رسوم است که در تاریخ افکار ملت ایران بسیار سردمند خواهد بود و در ممالک دیگر نیز توجه خاصی باین رشته معطوف شده است که در مباحث معرفه العنفس و مقایسه افکار ملل بایکدیگر اهمیت تام دارد و آنرا فن Folklore مینامند و در مملکت ما هم جای آن دارد که بدین رشته شیرین توجهی شود.

شب چهارشنبه سوری، باز بار دیگر زنان و جوانان شهر در کوی و برزن بسرور و نشاط مخصوصی درآمده اند. جوش و خروش که در شهر است مردم را بیاد مراسم و عادات ملی چندین هزار ساله میندازد.

زمستان طهران هر سال چند روز بهار را در آغوش می گیرد و هنوز اول فروردین نرسیده است که مردم جامه زمستانی را ترک کرده اند. دو سه روزست که شکوفه های الماس گون شاخ و برگ درختان را مکمل ساخته اند، آن روستائی بودنه فروش که همواره طلائے بهار و بشیر نوروز است چند روزی است که در کوچه های شهر ما آواز دلپسند خویش را که مژده رسیدن بهار است می خواند و کالای بهاری خود را با این سرود نوروزی اعلان می کند. دو سه روز دیگر از همکار او آواز دیگری برمی خیزد و نغمه و ترخون را که سبزی بهار می نامند بیانگ بلند خوش آمد می گوید. دو سه روز است که دستهای بنفشه گلدانهای خانه داران خوش سایه رازیت داده اند. غنچه های نرگس در گلدانهای زجاجی مخصوص و کوزه های سفالی شکفته شده است. باغبانهای طنز می که هر سال بهمین کار ازدیاد خویش می آیند در معاشره بیل بردوش در بی کار فرمائی می گردند که ایشان را بییل زدن باغچهها دعوت کند.

کدبانوئی که دل بستگی تام بر اسم نوروز باستانی نیاکان خود دارد چند روزی است که گندم و جو و عدس و یا ماش هر ساله را در بادیه های مسین سبز کرده و سوزده هفت سین نوروزی را تهیه می بیند. خانه تکانی پیش از نوروز شروع شده و هر روز اطای را بیرون می ریزد و پاکیزگی یکساله آنرا تأمین می کنند.

دخیا بانها و کوچها دکانهای شیرینی فروشی و آجیل فروشی که فروشندگان عمده نوزند از حالا برای نوزد بساط خود را آذین بسته اند و فالی و قلیچه است

که بر دیوار دکان و چراغ و آئینه است که بالای دکان آویخته اند. چرخهای بستنی فروشان دو سه روز است که در کوچهها براه افتاده .

تا دو سه سال پیش در انتهای میدان ارگ ، رو بازار طهران ، سر دری بود که بر آن نقاره میزدند و آنرا سردر نقاره خانه می نامیدند، هر سال شب چهارشنبه سوری نزدیک غروب که هنگام نقاره زدن بود خیابانهای اطراف این سردر یعنی خیابان ناصریه و خیابان باب همایون و خیابان ارگ و خیابان جبه خانه مطاف زنان و جوانان طهران بود که بسوی این سردر هجوم می کردند. کسانی که بایست طراوتهای زندگی و لطف و زیبایی تمدن چندین هزارساله ایران بودند برای برپا داشتن آئین چهارشنبه سوری از خانه بیرون می آمدند و تا یک دوپاس از شب گذشته درین خیابان های طهران در حرکت بودند .

زنان با رفتاری که نشاط و خرمی از آن پدیدار بود شتاب می آوردند که زودتر خود را در گروهی که درین جشن ملی شریک بودند وارد کنند .

اشتیاق ترکیب «چهارشنبه سوری» یعنی چهارشنبه عیش و عشرت خود میرساند که این شب را برای جشن و سرور بنیاد گذاشته اند .

این جشنهای ملی از قدیمترین زمانهای تاریخ در میان ایرانیان بوده است ، نوروز و مهرگان و بهمنچنه وسده در هر زمانی در میان پدران ما بوده است . چهار شنبه نیز در عقاید باستانی ایران جای مخصوصی دارد و آداب خاصی برای آن فائل بوده اند . جشن سده پنجاه روز پیش از نوروزست ، حتی هزار سال پیش در زمان سامانیان و غزنویان یکی از جشن های بزرگ بود که پادشاهان را بر آن تهنیت می- گفتند و شعرا قصاید خاص در تبریک این جشن برای ممدوحین خود می سرودند ، شب جشن سده در بیرون شهر آتش بسیاری افروختند و مردم گرد آن اخگر فروزان جمع می شدند و شادی می کردند . مرد آویز دیلمی پادشاه معروف آل زیار در بیرون شهر اصفهان شب جشن سده آتش بسیار افروخت و سپاهیان خود را بطعام و شراب دعوت کرد و یکی از رسوم قدیم دربار سامانی را زنده کرد. در زمان بهیقی پادشاهان غزنوی در بیرون شهر آتش می افروختند و آتش بازی می کردند یعنی حیوانات درنده را بنفت می اندودند و بر آن آتش میزدند و رهامی کردند، عنصری و فرخی و منوچهری قصاید در جشن سده و آتش سده سروده اند . هنوز در کرمان در شب دهم بهمن ماه در باغچه و صحرائی بوداق آباد بیرون شهر و نزدیک محله «گبر محله» مردم شهر کرمان جمع میشوند و زردشتیان شهر بوته های بسیار توده میکنند و موبدان با آداب مذهبی و پس از خواندن سرودها و دعا های مخصوص مقارن غروب یا پس از غروب بر آن بوتهها آتش میزنند و در بای آن خرمن آتش مسلمان و زردشتی شادی میکنند . آتش یکی از مقدسات تمام ملل قدیم نژاد آریا بوده و حتی رومیها آنرا محترم می داشته- اند و بدیهی است که در جشن های خود می بایست آتش بیفروزند و دور آتش جمع شوند و بر آن شادی کنند . هنوز ارمنیان ایران در شب عید سن سیمون Saint Simon که استقبال سیمون از مسیح است و بزبان ارمنی آنرا « تیارنان تاراج » میگویند و شب

۱۴ ماهه فوریه است آتش میافروزند و از آن می‌جهند و شادی می‌کنند. یونانیان نیز در شب عید سن ژان Saint Jean که از جشن‌های مذهب مسیح است و در شب ششم ماه مه باشد آتش می‌افروزند و از آن می‌جهند، هنوز یونانیان آسیا این آیین آتش افروختن را از دست نداده‌اند و در ترکیه در همین جشن آتش می‌افروزند و آنرا بزبان ترکی «آتش گجه سی» یعنی شب آتشی می‌نامند. ایرانیان قفقاز هنوز شب چهارشنبه سوری هفت تودّه آتش می‌افروزند و از آن می‌جهند.

در کردستان در ناحیه رواندوز بعد از چاه کوچک زمستان هر شب چهارشنبه را جشن می‌گیرند و بیرون می‌روند. در بعضی نواحی کردستان شب سی‌ام ماه اسفند آتش می‌افروزند و از آن می‌جهند و آن آتش را باید تا شب سی‌ام اسفند سال بعد نگاه‌دارند و نگذارند خاموش شود.

زاد ایرانی در نگاهداشتن آیین باستانی نخستین ملل نژاد آریا بیشتر تعصب ورزیده و بیشتر وفا داری کرده است، به همین جهت تمام آن رسوم که جسته جسته در بعضی ملل دیگر جزئیات آن باقی ماند، در ایران مجموعه آن چندین هزار سال پشت بیست مانده و در زمان ما هنوز برقرار است. شب چهارشنبه سوری در ایران آیین خاص و تشریفات گوناگون دارد که هر یک از آنها را در ناحیه دیگر میتوان یافت.

آیین چهارشنبه سوری

آیین چهارشنبه سوری یا شب چهارشنبه آخر سال بر دو قسم است: یک قسمت از آن عومی و مشترک میان تمام مردم ایران است که حتی بعضی از آنها را در ملل دیگر نژاد آریا می‌توان یافت و قسمت دیگر آیین خصوصی است که مردم طهران بدعت گذاشته‌اند و ازینجا کم و بیش شهرهای دیگر ایران رفته است.

آن قسمت از آیین این شب که در تمام ایران معمول است از کرمان گرفته تا آذربایجان و از خراسان تا خوزستان و از گیلان تا فارس یعنی تمام این دشت وسیع که ایران امروز را فراهم ساخته است و زیبا ترین بقایای ایران باستانی است در هر شب چهارشنبه آخر سال با شور و دل‌بستگی خاصی آشکار می‌شود. تمام مردم آذربایجان چه در شهرها و چه در دهها در آن شرکت دارند و حتی هنوز در میان مردم قفقاز معمول است. ایرانیانی که از دیار خود دور افتادند نیز آنرا فراموش نمی‌کنند و ایرانیان مقیم ترکیه و مصر و هندوستان نیز در جامعه خود این رسوم و آداب را معمول میدارند.

توپ مروارید

در میدان ارگ طهران توپ کهن سالی بود که مدت صد سال بر فراز صفا‌ی جا گرفته بود و چون پیران زمین گیر از جای خود نمی‌جنبید. شه‌های چهارشنبه سوری زنان و دخترانی که حاجتی داشتند مخصوصاً آن زنانی که در آرزوی شوی بودند از آن توپ بالا می‌رفتند و بر فراز آن دمی می‌نشستند و از زیر آن می‌گذشتند و در برآورده شدن آرزوی خود شك نداشتند و بچه‌های شیر خوار را که باصطلاح «نحسی» می‌کردند یا ربه میرفتند از زیر توپ مرواریدوسر در تقارخانه می‌گذراندند. این توپ را توپ مروارید می‌نامیدند و افسانه‌های گوناگون در حق آن می‌گفتند: